

آسیب شناسی انقلاب اسلامی ایران

از دیدگاه امام خمینی

تاریخ دریافت: ۸۱/۸/۴

تاریخ تأیید: ۸۱/۱۰/۲۵

کریم خانمحمدی*

در اندیشه امام خمینی، علل، ماهیت و آسیب شناسی انقلاب سه مفهوم همبسته است. همان تقاضاهایی که منجر به فروپاشی رژیم گذشته گردید ماهیت انقلاب را تشکیل می دهد و برگشت به گذشته نامطلوب در کلیه شاخصه ها از آسیب های نظام جمهوری اسلامی به شمار می رود، از این رو سخن از آسیب شناسی انقلاب بدون مطالعه فرآیند پیروزی آن، صیغه علمی نخواهد داشت. در این مقاله فرآیند جنبش انقلابی ایران در اندیشه امام خمینی، در قالب تئوری آلن تورن، بررسی شده است.

واژه های کلیدی: انقلاب اسلامی، امام خمینی، ایران، آسیب شناسی.

مقدمه

جامعه ایران در دو سده گذشته شاهد جنبش هایی بوده است که این کشور را از دیگر کشورهای آسیایی ممتاز می کند. نیکی. ر. کدی ضمن اذعان به «انقلاب خیز» بودن و فراوانی شورش ها و قیام ها** در ایران، در صدد تبیین چرایی این ویژگی بر آمده است.^۱ از میان این جنبش ها، انقلاب اسلامی که در سال ۱۳۵۷ به رهبری امام خمینی^{علیه السلام} به پیروزی دست یافت به دلیل دامنه وسیع آن

* حجة الاسلام کریم خانمحمدی، عضو هیأت علمی گروه علوم اجتماعی موسسه آموزش عالی باقرالعلوم علیا.

* Revolts.

و تأثیرات عمیقی که به دنبال داشت از ویژگی ممتازی برخوردار است.^۲ بررسی چرایی پیدایش این جنبش و ماهیت آن در فهم «آسیب‌های انقلاب» ما را یاری می‌رساند، زیرا فهم آسیب‌های یک پدیده فرع بر فهم شاخصه‌ها و عناصر تشکیل دهنده آن است.

چارچوب تئوریک

آن تورن معتقد است جنبش‌ها بر سه اصل اساسی استوار هستند:^{۱،۳} ضدیت یا مخالفت؛^۲ هویت؛^۳ همگانی بودن. همچنان‌که نیل اسملسر خاطر نشان می‌سازد جنبش‌های اجتماعی معلول فشار ساختاری* موجود در جامعه است که باعث ایجاد منافع متعارض در درون جامعه می‌گردد.^۴ پس اصل «ضدیت یا مخالفت» در اندیشه آن تورن اشاره به عناصری دارد که افراد جامعه با آن عناصر مخالفند، همین عناصر زمینه‌های ساختاری را برای تشکیل جنبش‌های اجتماعی و در نهایت هویت‌یابی این جنبش‌ها فراهم می‌کند. پس هر جنبشی همواره نماینده گروه‌های ویژه‌ای است که دارای منافع مشترک بوده و برای برطرف کردن موانع ساختاری تلاش می‌کنند. «هویت» جنبش جمع‌جبری عناصری است که جنبش در مخالفت با آنها شکل گرفته است. جنبش‌های اجتماعی معمولاً برای معرفی «هویت» خویش به اهداف و آرمان‌هایی چنگ می‌زنند که از زمره ارزش‌های مطلق و مورد قبول همگان است، همانند آزادی، استقلال، عدالت، برادری و برابری که آن تورن برای تشریح این فرآیند از مفهوم «همگانی بودن» سود می‌جوید.^۵

جنبش‌های اجتماعی وقتی اصل «مخالفت» را از دست دادند دیگر نام جنبش بدانها اطلاق نمی‌گردد؛ برای مثال وقتی جنبش پیروز گردد و نظام جدیدی را پایه‌گذاری کند، ماهیت جنبش در گزاره‌های مثبت جلوه‌گر می‌شود، یعنی رهبران جنبش که عمدتاً خود نیز نمادی از ماهیت^۶ جنبش هستند سعی می‌کنند «نظام جدید» عاری از معایب نظام قبلی بوده و موجد فشار ساختاری نباشد؛ از این رو دیدگاه‌های رهبران یک جنبش در تجزیه و تحلیل جنبش و آسیب‌شناسی نظام مبتنی بر آن بسیار اهمیت دارد. البته آسیب‌های انقلاب منحصر به عوامل موجد نیست، چون جامعه نظامی پویا است و ممکن است ارزش‌ها تغییر کرده و ارزش‌های جدیدی خلق یا جایگزین شوند؛ اما در این که عناصر موجد انقلاب از جمله آسیب‌هاست از درجه اطمینان بالایی از صحت برخوردار است، زیرا دگرگونی ارزشی از چنان سرعتی برخوردار نیست که در زمان کوتاه ماهیت جامعه دگرگون شود. نکته قابل توجه این که بهترین معیار و سنجه برای آسیب‌شناسی نظام جدید، کالبدشکافی

* Structural Strain.

جنبش است که منجر به پایه گذاری نظام شده است؛ بدین ترتیب سؤال از چرایی پیدایش انقلاب اسلامی و چیستی آن و آسیب‌شناسی‌اش، سه مسأله به هم پیوسته است^۷ که در این راستا در مقاله حاضر به سه سؤال ذیل پاسخ خواهیم گفت:

۱. از دیدگاه امام خمینی علیه السلام چرا مردم با رژیم شاهنشاهی مخالفت کرده و انقلاب نمودند؟
۲. ماهیت انقلاب ایران، به عبارت روشن‌تر، اصول اساسی نظام اسلامی کدامند؟^۳ چه عواملی این انقلاب را تهدید می‌کند؟ آسیب‌های نظام اسلامی مبتنی بر انقلاب ۱۳۵۷ از دیدگاه بنیان‌گذار این نظام کدامند؟

۱. عوامل پیدایش انقلاب از دیدگاه امام خمینی علیه السلام

بر خلاف اندیشمندان تقلیل‌گرا که به یک عامل در پیدایش انقلاب تأکید کرده و بر عواملی چون مذهب، اقتصاد، مدرنیزاسیون، استبداد و توطئه انگشت می‌گذارند، رهیافت امام خمینی علیه السلام چند علتی است. برخی عوامل از دیدگاه ایشان را بیان می‌کنیم.

الف) استبداد و سلب آزادی: امام خمینی در تحلیل‌هایش از قیام مردم ایران در سال ۵۷، یکی از عوامل عمده آن را، استبداد و اختناق شاهنشاهی و شیوه حکومتی شاه می‌دانند: «آن که اساس این انقلاب است، آن که اساس این انفجارها است خود این آقا (محمدرضا شاه پهلوی) است»^۸. امام خمینی علیه السلام قضیه اختناق و سلب آزادی را تئوریزه کرده و فرآیند آن را چونان یک جامعه شناس بیان می‌دارند:

یکی از چیزهایی که موجب پیروزی شماها شد همین زیادی ظلم و زیادی اختناق [بود] که این اختناق وقتی زیاد شد انفجار از آن پیدا می‌شود، دنبال یک اختناق طولانی‌هی عقده‌ها زیاد می‌شود و منتظرند که یک صدایی در آید، صدای اولی، فریادی در آید. دیگران دنبالش بروند.^۹

امام خمینی علیه السلام فرآیند مذکور را نه یک اتفاق و حادثه استثنایی بلکه یک «قانون» تلقی کرده و دیگر حکومت‌ها را به عبرت‌گیری دعوت می‌کند:

حکومت‌ها باید عبرت بگیرند از این وضعی که در ایران پیش آمد و بدانند که وضع برای این بود که محیط اختناق به طوری پیش آوردند که اختناق انفجار آورد.^{۱۰}
ملت ما از آزادی‌ها محروم بود، کشور ما از استقلال صحیح محروم بود. ملت ما از این مظالم به جان آمد و قیام کرد، یک قیام اسلامی بزرگ.^{۱۱}

ب) ماهیت طاغوتی رژیم شاهنشاهی: از دیدگاه امام خمینی علیه السلام هر حکومتی که مشی اسلامی را

در همه زمینه‌ها مراعات نکند و محتوای آن اسلامی نباشد طاغوت است.^{۱۲} امام مفهوم طاغوت را در برابر حکومت عدل اسلامی قرار داده و می‌فرماید: «ما امیدواریم که با پیوستن به هم بتوانیم این طاغوت‌ها را تا آخر از بین ببریم و به جای آن یک حکومت عدل اسلامی که مملکت ما برای خودمان باشد و همه چیزمان به دست خودمان باشد...».^{۱۳} امام خمینی در سال ۵۹ نیز گرایش جوانان ایران به اسلام و تمایل به شهادت را ادامه نهضت اسلام خواهی ملت ایران در برابر طاغوت در سال‌های قبل از انقلاب ارزیابی نموده و می‌فرماید: «این تحولی که الآن در کشور ما هست، همه‌اش روی این مقصد است که از اول فریادشان بلند بود که ما اسلام را می‌خواهیم، طاغوت را نمی‌خواهیم».^{۱۴}

ج) ترویج مفاسد: امام معتقد بود یکی از مسائلی که مردم ایران را به ستوه در آورد، فساد دامنگیر نهادهای رژیم شاهنشاهی بود. البته به زعم امام خود نهاد سلطنت فساد برانگیز و ریشه مفاسد بود: این فسادی که در ایران پیدا شده است، همه فسادها زیر سر رژیم شاهنشاهی بود. در تاریخ از اولی که رژیم شاهنشاهی پیدا شده است تا حالا که ما مشاهده می‌کنیم، هر چه مفسده بود، رژیم شاهنشاهی این مفاسد را ایجاد کرده.^{۱۵}

این رژیم و این حکومت، حکومتی است که می‌خواهد جوان‌های ما را فاسد کند و این مراکز زیاد فحشا و همه اطراف و همه جوانب فحشا را رواج دادن برای این است که جوان‌ها را از دانشگاه‌ها بکشند به میخانه‌ها و به کارهای زشت و بد.^{۱۶}

انقلاب ایران در اثر مفاسدی است که در هیأت حاکمه وجود دارد و همچنین بر اثر کارهای مخالف عقل است که شاه انجام می‌دهد و خرابی‌هایی که با دست عمال شاه در سراسر مملکت انجام می‌گیرد.^{۱۷}

مراکز فحشا در این کشور این قدر زیاد بود که احصا نداشت. مراکز فساد این قدر بود که جوان‌های ما را به فساد کشاند... کاری کردند که ملت ما به جان آمد... و خدای تبارک و تعالی بر این ملت منت گذاشت و قیام کردند.^{۱۸}

د) وابستگی رژیم به بیگانه: همچنان که نیکی. ر. کدی به خوبی نشان می‌دهد، ملت ایران به دلیل داشتن هویت ایرانی دیرینه، وابستگی به بیگانه را بر نمی‌تابد؛ از این رو این هویت دیرینه در کنار حضور سنگین یک امپریالیست، مشوق انقلاب است.^{۱۹} در نظر امام خمینی علیه‌السلام، علاوه بر تأثیر عامل مذکور در قیام ملت ایران، تأثیرات منفی وابستگی از جمله به یغما رفتن ثروت‌های ملی و آگاهی ملت از این امور در پیدایش انقلاب ایران دخیل بودند:

در عصر ما ملت یافت که شاه به واسطه پیوندی که با غرب خصوصاً با آمریکا دارد و همین طور با شرق، تمام مخازن ما را به باد داده است، بلکه نیروهای انسانی ما را نیز به هدر داده

است و فهمیدند جنایات فوق‌العاده‌ای که مرتکب می‌شود به واسطه پیوندی است که شاه با
ابرقدرت‌ها دارد. از این جهت ملت ما به پا خواست. ۲۰

[رژیم پهلوی] اقتصاد ما را به کلی به هم زد و همه چیز ایران را وابسته به اجانب کرد، همه
چیز ایران به باد رفت و خسته شدند مردم از این جهت قیام کردند و این نهضت را به پا
داشتند. ۲۱.

از دیدگاه امام علیه السلام وابستگی رژیم گذشته صرفاً بعد اقتصادی نداشت، بلکه در همه ابعاد سیاسی،
اقتصادی، فرهنگی و نظامی شاه وابسته بود و همین امر موجب جدایی رژیم از مردم و اعمال فشار
رژیم بر آنان و در نهایت بروز انقلاب شد:

فشار بیش از حد شاه، مردم را چنان در تنگنا قرار داد که آنان دست به یک قیام همگانی
زدند. شاه استقلال سیاسی، نظامی، فرهنگی و اقتصادی ما را از بین برده است و ایران را در
همه ابعاد وابسته به غرب و شرق کرده است. مردم ایران را زیر شکنجه و سیاهچال‌های
زندانبان کشته است. از تمام علما و خطبا برای گفتن حقایق جلوگیری کرده است. تمام اینها
موجب شده است که مردم مسلمان ایران خواستار یک حکومت اسلامی باشند. ۲۲.

ه) جدایی از ملت: رژیم شاهنشاهی به دلیل ویژگی‌هایی که بیان شد، از پایگاه مردمی
برخوردار نبود. طبیعت وابستگی و اتکا به ذخایر زیرزمینی، همچنان که تدا اسکاچپول، در مقاله
«حکومت تحصیلدار و اسلام شیعی در انقلاب ایران» خاطر نشان می‌کند^{۲۳}، موجب پیدایش دیوار بلند
بی‌اعتمادی میان مردم و حکومت وابسته شده بود، به طوری که شاه تا آخر به اهمیت مردم پی نبرده
و انقلاب ایران را با توطئه خارجی تبیین می‌کرد. بر خلاف شاه که با ارائه نظریه «توطئه» ناآگاهی
خویش را تئوریزه نمود، از دیدگاه امام بیگانگان هیچ نقشی در پیدایش انقلاب نداشتند. به عقیده
امام علیه السلام:

اگر پایگاه داشت این مرد (شاه) بین مردم، اگر نصف قدرتش را صرف کرده بود برای ارضای
مردم، هرگز این قدرت به هم نمی‌خورد. ۲۴

... فقط آن رده‌های بالای ارتش و قوای انتظامی، باقی را دیگر به هیچ نمی‌گرفتند، نه
ادارات و نه ارتش، آن رده‌های پایین، نه مردم و نه بازار و نه مسجد و نه روحانیت و نه
دانشگاه، هیچ یک را به حساب نمی‌آوردند. اینها، چیزی نمی‌دانستند اینها را، و بزرگ‌تر
خطای اینها همین بود که ملت را چیزی نمی‌دانستند ملت همه با هم شدند برای این که
همه ناراضی بودند. ۲۵.

۲. اصول اساسی نظام اسلامی مبتنی بر انقلاب ۱۳۵۷

نظام اسلامی بر اساس همان آرمان‌هایی بنیان نهاده شد که رژیم گذشته آنها را نادیده گرفت. اصول و آرمان‌های انقلاب در شعارهای سال ۵۷ و اظهارات امام خمینی به خوبی منعکس شده است. شعار معروف «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی» چکیده مطالبات مردمی بود که سال‌های متمادی جهت دست یابی به آن مبارزه کرده بودند.

الف) استقلال: امام خمینی در پاسخ به سؤالی درباره اهداف و برنامه‌های آینده‌شان، می‌فرماید:

... استقلال و آزادی را به وطن باز خواهیم گرداند، روابط ناسالمی را که به ضرر ملت است اصلاح خواهیم کرد... دست دیگران را از ایران کوتاه خواهیم نمود.^{۲۶}

باید ما توجه داشته باشیم که ما خودمان کی هستیم و چی هستیم و مملکت ما احتیاج به چی دارد و به کی دارد. اگر ما این وابستگی‌های معنوی را، برگردانیم به حال خودش و پیدا کنیم خودمان را، می‌توانیم یک ملت مستقل باشیم.^{۲۷}

ب) آزادی:

مردم ایران که قیام کرده‌اند، برای یک مطلب واضحی است که همه بشر قبولش دارد که باید آزاد باشد. نباید هی در حبس کنند، نباید جلوی بگیرند که حرف زن، بیخ گلویش را فشار بدهند که نباید یک کلمه حرف بزنی، قلمش را بشکنند که نباید بنویسی... آن که از حقوق بشر است و از اولین حقوق بشر است، «آزادی، استقلال، حکومت عدل» این را می‌خواهند مردم.^{۲۸}

ج) جمهوریت: قالب حکومت مطلوب از دیدگاه امام، جمهوری و محتوی آن اسلامی است:

اما شکل حکومت ما جمهوری اسلامی است، جمهوری به معنای این که متکی بر آرای اکثریت است و اسلامی برای اینکه متکی به قانون اسلام است و دیگر حکومت‌ها این طور نیستند که تکیه بر قانون اسلام داشته باشند.^{۲۹}

ما خواهان استقرار یک جمهوری اسلامی هستیم و آن حکومتی است متکی به آرای عمومی. شکل نهایی حکومت با توجه به شرایط و مقتضیات کنونی جامعه ما توسط خود مردم تعیین خواهد شد.^{۳۰}

د) اسلامیت: محتوای نظام مطلوب انقلاب ایران از دیدگاه امام، اسلام و اصول اساسی آن است

که در قرآن و سنت بیان شده است: «امروز که ملت ایران قیام کرده‌اند... حکومت اسلامی می‌خواهند، می‌خواهند که آزاد باشند، می‌خواهند که مستقل باشند، می‌خواهند که حکومتشان حکومت اسلامی باشد».^{۳۱}

۳. آسیب‌شناسی نظام اسلامی از دیدگاه امام خمینی

با توجه به آنچه گفته شد، ملاک تشخیص آسیب‌ها تا حدودی روشن می‌گردد، زیرا با آسیب‌شناسی رژیم پهلوی می‌توان به شیوه «فرافکنی روند»^{*} آسیب‌های جمهوری اسلامی را به سهولت تشخیص داد؛ از این رو امام خمینی کارگزاران نظام اسلامی را از آفت‌هایی که دامنگیر رژیم پهلوی شد بر حذر داشته و بر حفظ اصول اساسی انقلاب که در سال ۵۷ با خون هزاران شهید امضا گشته تأکید می‌کند. اندیشه‌های امام خمینی در این زمینه از چند جهت دارای اهمیت است: اولاً، ایشان در جریان جنبش‌های انقلابی ایران حضور داشته و شاهد عینی وقایع سدهٔ اخیر ایران هستند؛ ثانیاً به علت قرار گرفتن در صدر عظیم‌ترین جنبش ایران به عنوان «نماد» هویت جنبش می‌باشند؛ ایشان دهه اول بعد از انقلاب را تجربه کرده و آسیب‌های آن را مشاهده نموده و با هوشیاری تمام در مورد بروز آنها تذکر داده‌اند.

قبل از پرداختن به آسیب‌هایی که امام خمینی برای نظام اسلامی برشمرده، تذکر این نکته ضروری است که آسیب‌شناسی امام عمدتاً متوجه «آسیب‌های درونی» است؛ همچنان که ایشان «نظریه توطئه» در تبیین چرایی پیدایش انقلاب را نمی‌پذیرفت، خطر دشمنان خارجی را به شرط اتحاد ملت و حفظ محورهای اساسی انقلاب بی‌تأثیر دانسته و هیچ‌گونه خطری از این لحاظ احساس نمی‌کند: «از هیچ یک از این قدرت‌هایی که در عالم هستند و ارباب می‌کنند ملت ما را، ما نمی‌ترسیم... ملتی که برای خدا قیام کند از هیچ چیز نمی‌ترسد و آسیب نمی‌بیند».^{۳۲} البته امام خمینی اصل وجود دشمن خارجی را می‌پذیرند: «ما با یک ابرقدرتی در طرف غرب و یک ابرقدرتی در طرف شرق مواجه هستیم که هر دوی آنها می‌خواهند ما را ببلعند»؛ ولی خطر فیزیکی آنها را کم اهمیت ارزیابی می‌کند:

اگر چنانچه گفته می‌شود که دولت آمریکا می‌خواهد نظامی بیاورد و این مملکت را به خاک و خون بکشد باور نکنید اولاً و ثانیاً اگر بیاید خواهد سزای خودش را ببیند، از محاصرات اقتصادی و نظامی و دخالت‌های نظامی ابرقدرت‌ها نمی‌ترسیم.^{۳۳}

ترور فیزیکی را امام بی‌تأثیر دانسته و معتقد بودند با ترور اشخاص نمی‌توان انقلاب را ترور کرد.^{۳۴} حتی فراتر از این، امام دشمن خارجی را عامل انسجام ملت ارزیابی کرده و می‌گوید: «تازه وقتی که یک جنگی شروع می‌شود، ملت ما بیدار می‌شود، بیشتر متحرک می‌شود».^{۳۵} در مقابل، امام

* Projection.

آسیب‌های درونی و از همه مهم‌تر «تفرق‌امت» را مهم ارزیابی کرده و معتقد بودند خطر دشمن خارجی نیز غیر مستقیم و از این ناحیه است، یعنی دشمن خارجی ممکن است به آسیب‌های داخلی دامن زده و از این طریق خدشه وارد کند:

آنچه مهم است این ناسازگاری‌ها در ارگان‌های اسلامی است... مرتباً دعوت به توافق می‌کنند، لکن خودشان هم توافق ندارند، این موجب نگرانی است، چون سبب می‌شود که کشور به حال تزلزل باقی بماند و اگر مدتی به حال تزلزل باقی بماند آسیب از خودش پیدا می‌شود و از داخل آسیب می‌بیند و محتاج به این نیست که از خارج بیاید و به ما آسیب برسانند. ۳۶

آسیب‌های انقلاب اسلامی از دیدگاه امام خمینی

الف) تفرقه: امام خمینی ایران را به لحاظ ساختاری مستعد تفرقه دانسته و زمینه‌هایی چون وجود قبایل و عشایر مختلف، موقعیت جغرافیایی، تنوع زبانی، تنوع مذهبی و در نهایت تنوع خاستگاه روشنفکری یعنی وجود حوزه و دانشگاه را از عوامل تفرقه به شمار آورده‌اند. ۳۷ از این رو به اعتقاد امام، عواملی چون ملیت، زبان و وحدت مکانی نمی‌توانند به عنوان محورهای اتحاد مورد تأکید قرار گیرند و به جای آنها «اسلامیت» و آن هم در مفهوم عام و در سطحی فراتر از تفسیرهای فرقه‌ای، می‌تواند عامل انسجام ایران باشد. تفسیر امام از اسلام، اقرار به کلمه «لا اله الا الله» و داشتن قبله واحد یعنی ارزش‌های فرا فرقه‌ای است:

مسلمان‌ها که اهل حق هستند، قرآن کتاب آنهاست، کعبه قبله آنهاست، کسانی که به اسلام ایمان آورده‌اند و به حق ایمان آورده‌اند در این حق خودشان مجتمع باشند و نگذارند این باطل‌ها که در باطل خودشان می‌خواهند مجتمع بشوند، آنها پیروز بشوند. ۳۸

امام خمینی ضمن توصیه به سعه صدر در برخورد با برادران دینی، «منطق گفت و گو» و تن دادن به قوانین و مقررات را رمز بقای اتحاد می‌داند. دو مؤلفه مذکور حتی می‌توانند اقلیت‌های دینی را هم‌نوا کنند:

اگر بخواهید مملکت خودتان را از دست ابرقدرت‌ها و چپاول‌گرهای بین‌المللی نجات بدهید، باید همه مقرراتی که تحت عمل هر یک هست، آن مقررات عمل بشود و هیچ نهادی با نهاد دیگر معارضه نکند... من امیدوارم که تمام برادرهای ما در اطراف ایران، چه برادرهای اهل سنت چه برادرهای اهل تشیع و تمام کسانی که در این ملت هستند از اقلیت‌های مذهبی، همه با هم مجتمع باشند، تا این که رفاه همه مسلمان‌ها و همه کسانی که در کشور

اسلامی سکونت دارند حاصل بشود.^{۳۹}

بنابراین ایشان برای بقای اتحاد، حکومت اسلامی را به حکومت انسانی ترفیع داده و معتقدند با قانون‌گرایی می‌توان اختلافات را حل کرد و کشور را به ساحل نجات رهنمون ساخت:

خواست همه یک جمهوری اسلامی، یک حکومت عدل، یک حکومت انسانی... اگر این دو تا جهت را حفظ کنید... و نگذارید اختلاف پیدا بشود، اگر ما حفظ کنیم این وحدت کلمه و وحدت مقصد [اسلام] تا آخر پیروزیم.^{۴۰}

در حکومت انسانی و حکومت عدل حتی بدون داشتن دین واحد نیز می‌توان با منطق گفت و گو به تفاهم رسید:

ما اگر اختلاف سلیقه داریم، اختلاف بینش داریم، باید بنشینیم و با هم در یک محیط آرام صحبت کنیم و مسائل خودمان را حل کنیم، با تفاهم مسائل را حل کنیم، نه این که جبهه‌گری کنیم، یکی یک طرف بایستد با دار و دسته خودش و یکی یک طرف دیگر بایستد با دار و دسته خودش، و کوشش کنند در تضعیف یکدیگر و کوشش کنند در تضعیف کشور اسلامی... شماها اگر مسلم هستید، با احکام اسلام عمل کنید و اگر خدای نخواستہ تعهد اسلامی را قبول ندارید، با دید سیاسی مسائل را حل کنید.^{۴۱}

امام خاستگاه تفرقه را نه مردم که نخبگان، مسؤولان و نهادهای نظام دانسته و خطاب به ایشان می‌فرماید:

شما همه برای خدا - ان شاء الله - عمل کنید، همه‌تان با هم باشید، پشت و پناه هم باشید، ملت خوب است، ملت یک ملت روشنی است، یک ملت خوبی است. شماها هم همه با هم مجتمع بشوید، دولت و ملت، ارکان دولت، رئیس جمهورش، مجلسش، همه اینها با هم مجتمع باشند.^{۴۲}

اگر قلم‌هایی که در روزنامه‌ها به ضد هم چیز می‌نویسند کمک کنند برای از بین رفتن جمهوری، همه مسؤولند... احکام اسلام امانت است پیش‌مان... و نباید با قلم‌ها و قدم‌ها به این امانت خیانت کنیم... اگر بخواهید کشورتان مستقل باشد و آزاد باشید، باید از این طور مناقشات دست بردارید.^{۴۳}

من باز تأکید می‌کنم اگر سران با هم خوب باشند، این کشور صدمه نمی‌بیند، اگر صدمه‌ای این کشور ببیند از اختلاف سران است. همان طور که شارع مقدس فرموده، باید دولت، مجلس و قوه قضاییه احساس کنند که یک تکلیف دارند و آن این که اختلاف نداشته باشند.^{۴۴}

ب) ارائه چهره طاغوتی از حکومت: امام خمینی معتقد بود انقلاب ایران به لحاظ ماهوی از سایر انقلاب‌های دنیا متمایز است و وجه تمایز آن، اسلامی بودن آن است.^{۴۵} همان گونه که در تعریف طاغوت از دیدگاه امام اشاره شد، هر حکومتی که محتوای آن اسلامی نباشد طاغوت است، خواه متولیان آن پهلوی باشد یا دیگران:

الآن ما همه مکلفیم حالایی که جمهوری اسلامی شد ما هم اسلامی باشیم، اگر بنا شد جمهوری اسلامی باشد اما ماها دیگر اسلامی نباشیم حکومت اسلام نیست. اگر بنا شد که جمهوری اسلامی باشد پاسبان‌هایش اسلامی نباشند، خدای نخواستہ دادگاه‌هایش اسلامی نباشند، وزارتخانه‌هایش اسلامی نباشند، این حکومت طاغوتی است به اسم اسلام، همان طاغوت است.^{۴۶}

امام خمینی از تبدیل شدن جمهوری اسلامی به حکومت طاغوتی نگران بوده و آن را یکی از آسیب‌های عمده انقلاب برشمرده‌اند:

طاغوت برای خاطر این که پسر کی بود و نوه کی بود که نبود، برای اعمالش بود، اگر اعمال ما هم یک اعمال طاغوتی باشد، برای خود باشد، نه برای ملت، دعوا بکنیم سر خودمان، نه برای مصالح ملت، این همان طاغوت است، منتها به یک صورت دیگری در آمده، اما طاغوت است. طاغوت هم مراتب دارد، یک طاغوت مثل رضاخان و محمدرضا، و یک طاغوت هم مثل کارتر و امثال آنها است، یک طاغوت هم مثل ماهاست.^{۴۷}

ج) ارائه چهره واژگونه از اسلام: علی‌البتلا می‌فرمایند: «مردم اسلام را به تن می‌کنند ولی آنچنان که پوستین را وارونه به تن می‌کنند».^{۴۸} ممکن است محتوای حکومتی به ظاهر اسلامی باشد، ولی چهره‌ای که از اسلام ارائه می‌شود چنان واژگونه و دور از واقعیت باشد که دل‌های پاک و توده مردمان به آن رغبت نکنند، زیرا مفروض امام خمینی این است که اگر اسلام واقعی به مردم ارائه شود همه دنیا آن را می‌پذیرند.^{۴۹} وارونه نشان دادن چهره اسلام یکی از آسیب‌های تهدید کننده نظام اسلامی است که امام درباره آن هشدار می‌دادند، زیرا کنار گذاشتن ظاهر اسلام، در ایران ناممکن است ولی وارونه به تن نمودن آن آسان است. وانگهی اگر اسلام وارونه به تن شود نه تنها کارگزاران نظام ضربه می‌بینند، که از دیدگاه امام، مکتب (اسلام) از همه امور مهم‌تر است:

اگر روحانیون که در رأس جامعه هستند روی موازین مقررات به طور دقیق عمل نکنند، اگر دولت به طور دقیق عمل نکند... و اعمالشان را تطبیق ندهند با اسلام، یک صورت قبیحی از اسلام در خارج منعکس می‌شود... الآن یک تکلیف بسیار بزرگی به عهده همه ماست، من یک طلبه هستم این تکلیف را دارم، آقایان [روحانیون] این تکلیف را دارند، سایر قشرها

هم دارند، که کوشش کنیم وجههٔ اسلام را آن طور که هست نمایش بدهیم، نه آن طوری که خلفایی مثل معاویه و یزید... جلوه می‌دادند... و اسباب این می‌شد که یک وقت وجهه اسلام را در دنیا دگرگون کنند.^{۵۰}

اگر خدای نخواست ما پیروز بشویم به این معنا که آن دسته‌ای از ظالمان که بودند و آن دسته‌ای از چپاولگران که بودند بیرون کردیم، لکن به جای آنها یک دسته ظلمه دیگری با یک محدودیت خاص و چپاولگری‌های دیگری با یک محدودیتی به جای او نشست، این موجب این می‌شود که مکتب ما در دنیا منعکس بشود که مکتب درستی نبوده، شکست در مکتب واقع بشود، آن شکستی که جبران نمی‌تواند بپذیرد.^{۵۱}

از تحلیل فوق، یک فرض ناخودآگاه به ذهن تبادر می‌کند و یک ملاک برای ارزیابی القا می‌شود و آن این که کارگزاران نظام در ارزیابی اقبال مردم، روی دیگر سکه را نیز ملاحظه نمایند؛ یعنی ممکن است آن اسلامی که ارائه می‌شود به دلیل رفتار سوء مسؤولان وارونه جلوه کند و پشت کردن مردم به برنامه حکومت همواره پشت کردن به اسلام نیست. «خود ارزیابی» اصل مهمی است که از گفتارهای گهربار امام استنباط می‌گردد.

د) سوء استفاده از آزادی: یکی از چهار ستون نظام اسلامی در اندیشه امام، «آزادی» است. هر حکومتی که میل به استبداد کند، طاغوت است، زیرا خلاف موازین اسلامی عمل کرده است: اسلام به ما اجازه نداده است که دیکتاتوری بکنیم. ما تابع آرای ملت هستیم. ملت ما هر طوری رأی داد، ما هم از آن تبعیت می‌کنیم. ما حق نداریم، خدای تبارک و تعالی به ما حق نداده است، پیغمبر اسلام به ما حق نداده است که به ملتمان یک چیزی را تحمیل کنیم.^{۵۲} آزادی سیاسی در اندیشه امام خمینی علیه السلام به حدی است که «هر فرد از افراد ملت حق دارد مستقیماً در برابر سایرین، زمامدار مسلمین را استیضاح کند و به او انتقاد کند و او باید جواب قانع کننده بدهد. در غیر این صورت، اگر بر خلاف وظیفه اسلامی خود عمل کرده باشد، خود به خود از مقام زمامداری معزول است».^{۵۳} با همه اهمیتی که امام به آزادی قائل است، آزادی را ملازم با قانونمداری و به عبارت عام‌تر «محدودیت» می‌داند. آزادی در چارچوب مجاری قانونی معنا پیدا می‌کند و به مفهوم «هرج و مرج» و «دلبخواه» نیست. از دیدگاه امام، هرج و مرج منجر به استبداد می‌گردد، یعنی از دل «آنارشسیسم»، «خودکامگی» و «استبداد» متولد می‌گردد. همچنان که استبداد رضاخانی از درون کشمکش‌های طولانی و هرج و مرج پس از انقلاب مشروطه تولد یافت، و مردم نیز استبداد را به هرج و مرج ترجیح می‌دهند.

امام خمینی یکی از آسیب‌های مهم نظام اسلامی را سوء استفاده از آزادی دانسته و تذکر

می‌دهند شکر نعمت آزادی حفظ حدود آن است و اگر حدود آن حفظ نشود ممکن است به حالت سابق برگردیم:

اگر خدای نخواستہ آزادی را صرف کردیم بر خلاف مسیر ملت و اسلام، حالا که آزاد شدیم خودمان را به هرج و مرج بکشیم... حالا که آزاد هستیم بر خلاف نظامات اسلامی و بر خلاف نظامات ملی عمل کنیم، هرج و مرج به پا کنیم، تحت هیچ قاعده نباشیم، تحت هیچ یک از قواعد اسلامی و ملی نباشیم، اگر این طور باشد آزادی را سلب کردیم بر خلاف مسیر ملت و بر خلاف مسیر اسلام.^{۵۴}

مدل ذیل اقتباسی از اندیشه امام است:

خواستہ اسلام و ملت ← آزادی ← آزادی بدون قید (قید اسلام و مقررات مدنی یعنی مسیر ملت و خواسته ایشان) ← استبداد و اختناق (افراط در استبداد و اختناق) ← شکل‌گیری جنبش‌های انقلابی

ه) وابستگی اقتصادی: طبق تحقیقات آقای محمدحسین پناهی که بر اساس شعارهای انقلاب به بررسی و تحلیل زمینه‌ها و اهداف انقلاب اسلامی ایران پرداخته، اهداف اقتصادی نسبت به سایر هدف‌ها از اهمیت کمتری برخوردار است.^{۵۵}

نوع اهداف و ارزش‌ها	تعداد	درصد
اهداف و ارزش‌های فرهنگی انقلاب	۳۵۹	۵۴/۵
اهداف و ارزش‌های سیاسی انقلاب	۲۶۱	۳۹/۶
اهداف و ارزش‌های اقتصادی	۳۹	۵/۹
جمع	۶۵۹	۱۰۰

جدول ۱ - شعارهای مربوط به اهداف و ارزش‌های انقلاب اسلامی

با توجه به جدول فوق تنها ۵/۹ درصد شعارها به اهداف اقتصادی اختصاص دارند و به این اهداف نیز اگر با تدبر نگاه کنیم باز بعد فرهنگی دارند و مردم خواستار عدالت اقتصادی هستند نه این که خواستار بهبود وضعیت باشند. جدول ذیل این ادعا را به خوبی نشان می‌دهد.

نوع اهداف و ارزش‌های اقتصادی	تعداد	درصد
نفی فقر و محرومیت اقتصادی	۳	۷/۷
حمایت از طبقات محروم	۳۲	۸۲/۱
نفی سرمایه داری و طبقات مرفه	۳	۷/۷
سایر امور اقتصادی	۱	۲/۵
جمع	۳۹	۱۰۰

جدول ۲- توزیع شعارهای مربوط به اهداف و ارزش‌های اقتصادی انقلاب

در اندیشه امام خمینی نیز متغیر «اقتصاد» به عنوان انگیزه انقلاب غایب است. از دیدگاه امام تئوری «اقتصاد عامل انقلاب» چونان نظریه «توطئه» مطرح می‌باشد.^{۵۶} پس آنچه مردم ایران را به تحرک وامی‌داشت و غرور ملی ایرانیان را خدشه دار می‌ساخت نه ضعف اقتصادی و فقر که «وابستگی» (اقتصادی، فرهنگی، سیاسی) بود. امام خمینی ضمن رد تبیین‌های اقتصادی، به ویژه مارکسیستی از انقلاب، می‌فرماید:

[آیا] جوان‌های ما برای این که یک زندگی مرفهی در دنیا داشته باشند خون می‌دادند؟! این می‌شود که یک کسی خودش را بکشد که زندگی‌اش خوب باشد یا خیر، این یک نهضتی الهی بود... نهضت ایران نهضتی بود که خدای تبارک و تعالی در آن نقش داشت و مردم به عنوان جمهوری اسلامی، به عنوان اسلام، به عنوان احکام اسلام در خیابان‌ها ریختند و همه گفتند: ما این رژیم را نمی‌خواهیم و حکومت عدل اسلامی و جمهوری اسلامی می‌خواهیم.^{۵۷}

امام خمینی تقویت بنیه‌های اقتصادی را برای استقلال کشور ضروری دانسته و معتقد بودند بدون استقلال مادی و خودکفایی نسبی به ویژه در امر کشاورزی^{۵۸} و تولیدات مربوط به کالاهای ضروری و حیاتی، استقلال در سایر زمینه‌ها نیز ممکن نیست.

اگر مملکت شما در اقتصاد نجات پیدا نکند و وابستگی اقتصادی داشته باشد، همه جور وابستگی دنبالش می‌آید و وابستگی سیاسی هم پیدا می‌کنیم، وابستگی نظامی هم پیدا می‌کنیم برای این که وقتی ما چیزی نداشتیم، دستمان به طرف آمریکا دراز می‌شود و آمریکا همه چیز را به ما تحمیل می‌کند. ما وقتی می‌توانیم زیر بار او نرویم که قدرتمند باشیم.^{۵۹}

امام وابستگی اقتصادی را یکی از آسیب‌های انقلاب دانسته، و آن را عامل رجعت به وضعیت پیش از انقلاب می‌دانند که آن وضعیت زمینه‌های ساختاری بروز جنبش‌های انقلابی را فراهم کرد.^{۶۰}

و) **اشرافی‌گری و تجمل‌گرایی:** همچنان که ابن خلدون خاطر نشان می‌سازد، تجمل‌گرایی از عوامل عمده شکست حکومت‌ها و به سستی گراییدن «عصبیت» است. امام خمینی نیز تجمل‌گرایی را یکی از آسیب‌های عمده به شمار آورده و در تحلیل گرایش مردم به روحانیت و سپردن رهبری انقلاب به ایشان می‌گوید:

آن چیزی که مردم از ما توقع داشته و دارند و به واسطه آن دنبال ما و شما آمده‌اند و اسلام را ترویج نموده و جمهوری اسلامی را به پا کردند و طاغوت را از میان بردند، کیفیت زندگی اهل علم است. اگر خدای نخواستہ مردم ببینند که آقایان وضع خودشان را تغییر داده‌اند، عمارت درست کرده‌اند و رفت و آمدهایشان مناسب شأن روحانیت نیست و آن چیزی را که نسبت به روحانیت در دلشان بوده است از دست بدهند، از دست دادن آن همان واز بین رفتن اسلام و جمهوری اسلامی همان.^{۶۱}

در پندار امام خمینی، عصبیت حاکم بین روحانیت و مردم نه بر خویشاوندی نسبی بلکه بر «دین و معنویت» استوار است که به زعم ابن خلدون عام‌تر از عصبیت خویشاوندی است و این معنویت که قوام این گونه عصبیت می‌باشد در اندیشه امام خمینی رابطه معکوس با تجمل‌گرایی دارد: «هر چه بروید سراغ این که یک قدم بردارید برای که خانه‌هاتان بهتر باشد، از معنویتان به همین مقدار، از ارزش‌تان به همین مقدار کاسته می‌شود».^{۶۲}

امام خمینی از کلیه مسؤولان به ویژه روحانیون متواضعانه می‌خواهند برای حفظ نظام جمهوری اسلامی از تجمل‌گرایی و زرق و برق دنیا بپرهیزند:

من متواضعانه و به عنوان یک پدر پیر از همه فرزندان و عزیزان روحانی خود می‌خواهم که در زمانی که خداوند بر علما و روحانیون منت نهاده است و اداره کشور بزرگ و تبلیغ رسالت انبیا را به آنان محول فرموده است، از زرق و برق روحانی خود خارج نشوند و از گرایش به تجملات و زرق و برق دنیا که دون شأن روحانیت و اعتبار نظام جمهوری اسلامی ایران است، پرهیز کنند، که هیچ آفت و خطری برای روحانیت و برای دنیا و آخرت آنان بالاتر از توجه به رفاه و حرکت در مسیر دنیا نیست.^{۶۳}

سؤال مهمی که در این جا مطرح می‌شود این است که منظور امام از تجمل‌گرایی چیست؟ ملاک تشخیص آن چگونه است؟ و داوران تشخیص چه کسانی هستند؟ الگوی مورد نظر امام برای رهبران حکومت، کدامین حکومت است؟ امام به همه این سؤالات پاسخ داده‌اند. در اندیشه امام، اشرافی‌گری و تجمل‌گرایی این است که زندگی متولیان امور جامعه متفاوت از توده مردم بوده و دارای امتیازات

ویژه‌ای باشند و با سوء استفاده از مقام، ثروت‌اندوزی کنند و یا در زندگی روزانه امتیازی برای خود قائل شوند.^{۶۴}

ملاک تشخیص نیز عدم تفاوت زندگی بعد از حاکمیت قشر حاکم با قبل از حکومت است و داوران تشخیص این امر نیز توده مردم هستند؛ از این رو توصیه می‌فرمایند: «یک وقت کاری نشود که ملت‌ها و دیگران کار را تعیب کنند به این که شما دستتان نمی‌رسید. حالا که دستتان رسید شما هم همان هستید».^{۶۵} الگوی مورد نظر امام برای حکومت اسلامی، جهت مصون ماندن از گرایش به اشرافی‌گری، حکومت علوی است:

همان روزی که بیعت کردند با حضرت امیر به خلافت، آن هم خلافتی که دامنه‌اش این قدر زیاد بود، همان روز بعد از این که بیعت تمام شد، ایشان بیل و کلنگش را برداشت، رفت سراغ آن کاری که می‌کرد.^{۶۶}

از آسیب‌های دیگر نظام اسلامی در دیدگاه امام، می‌توان به عدم وظیفه‌شناسی مردم^{۶۷}، سستی و از دست دادن حالت انقلابی^{۶۸}، از خود بیگانگی^{۶۹}، کم کاری در ادارات و کارخانه‌ها^{۷۰}، اعوجاج در رسانه‌های جمعی به ویژه تلویزیون^{۷۱}، ظاهرگرایی و چاپلوسی^{۷۲}، سرگرم شدن به مسائل غیر اساسی^{۷۳}، نفوذ افراد فاسد در بدنه حکومت^{۷۴}، گفتارهای نسنجیده و آسیب زای برخی مسئولان^{۷۵}، تضعیف نهادها^{۷۶}، بزرگ نمایی مشکلات کوچک و فرافکنی مشکلات اجرایی به اصل اسلام^{۷۷}، ایجاد یأس و نومیدی به جای امید به آینده^{۷۸}، ترجیح مصالح شخصی بر مصالح جامعه^{۷۹} و ... اشاره کرد. آنچه تا کنون مطرح شد، در جدول ذیل نمایش داده شده است:

عوامل پیدایش انقلاب	ماهیت انقلاب یا ماهیت نظام اسلامی مبتنی بر انقلاب ۱۳۵۷	آسیب‌های عمده نظام جمهوری اسلامی
استبداد و سلب آزادی	استقلال	تفرقه
ماهیت طاغوتی رژیم شاهنشاهی	جمهوریت	ارائه چهره طاغوتی از حکومت
ترویج مفاسد	آزادی	ارائه چهره واژگونه از اسلام
وابستگی به بیگانه	اسلامیت	سوء استفاده از آزادی
جدایی از ملت		وابستگی اقتصادی
		اشرافی‌گری و تجمل‌گرایی

پی‌نوشت‌ها

۱. نیکی. ر. کدی، «جراحی انقلابی شدن ایران»، ترجمه فردین قریشی، فصلنامه متین، سال اول، ش ۲ (بهار ۱۳۷۸) ص ۲۲۱-۲۳۷.
۲. سعید حجاریان، مجموعه مقالات رهیافت‌های نظری بر انقلاب اسلامی (گردآورنده: عبدالوهاب فراتی) - (قم: معاونت امور اساتید و دروس معارف اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۷) ص ۳۱۳.
۳. گی‌روشه، تغییرات اجتماعی، ترجمه منصور وثوقی (تهران: نشر نی، چاپ هفتم، ۱۳۷۶)، ص ۱۳۰.
۴. آنتونی گیدنز، جامعه‌شناسی عمومی، ترجمه منوچهر صبوری (تهران: نشر نی، ۱۳۷۳) ص ۶۷۴.
۵. گی‌روشه، پیشین، ص ۱۳۱.
۶. تحلیل روان‌شناختی شخصیت رهبر جنبش و خاستگاه اجتماعی وی تا حد زیادی ماهیت جنبش را نمایان می‌سازد.
۷. مصطفی ملکوتیان و دیگران، انقلاب اسلامی و چرایی و چگونگی رخداد آن (قم: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها، چاپ سیزدهم، ۱۳۸۰) ص ۱۵۹.
۸. امام‌روح الله خمینی، صحیفه نور، ج ۲ (تهران: ارشاد اسلامی) ص ۵۷.
۹. همان، ج ۷، ص ۲۷۹.
۱۰. همان، ج ۷، ص ۷۳.
۱۱. همان، ج ۵، ص ۱۱۴.
۱۲. همان، ج ۷، ص ۳۱. اقتباس از سخنرانی امام.
۱۳. همان، ج ۵، ص ۵۸.
۱۴. همان، ج ۱۰، ص ۲۳۳.
۱۵. همان، ج ۳، ص ۶۶.
۱۶. همان، ص ۱۴۸.
۱۷. همان، ص ۱۶۷.
۱۸. همان، ج ۱۸، ص ۲۱۹.
۱۹. نیکی. ر. کدی، پیشین، ص ۲۲۴.

۲۰. امام روح‌الله خمینی، پیشین، ج ۴، ص ۱۸۳.
۲۱. همان، ج ۷، ص ۲۳۴.
۲۲. همان، ج ۳، ص ۱۶۴.
۲۳. تداوم اسکاچیول، مجموعه مقالات رهیافت‌های نظری بر انقلاب اسلامی (گردآورنده: عبدالوهاب فراتی)، ص ۱۸۵-۲۱۶.
۲۴. امام روح‌الله خمینی، پیشین، ج ۷، ص ۵.
۲۵. همان، ج ۱۱، ص ۱۲۸.
۲۶. همان، ج ۴، ص ۶۶.
۲۷. همان، ج ۹، ص ۱۱۰.
۲۸. همان، ج ۴، ص ۴۷.
۲۹. همان، ص ۳۷.
۳۰. همان، ج ۲، ص ۲۶۰.
۳۱. همان، ج ۳، ص ۱۹۸.
۳۲. همان، ج ۱۳، ص ۲۹.
۳۳. همان، ج ۱۲، ص ۹۲.
۳۴. همان، ج ۷، ص ۱.
۳۵. همان، ج ۱۳، ص ۱۵۷.
۳۶. همان، ج ۱۲، ص ۱۶۳.
۳۷. همان، ص ۳۱ و ج ۱۴، ص ۱۱۳ و ج ۷، ص ۲۸۰ (پیام امام در خصوص مسائل کردستان در ۵۸/۶/۶) و ج ۸، ص ۹ و ج ۴، (مصاحبه امام با اهل تاریخ در ۵۷/۹/۱۶).
۳۸. همان، ج ۱۳، ص ۴۸.
۳۹. همان، ص ۲۷.
۴۰. همان، ج ۷، ص ۲۸۰.
۴۱. همان، ج ۱۴، ص ۳۸.
۴۲. همان، ج ۱۳، ص ۱۷۳.
۴۳. همان، ج ۱۴، ص ۷.
۴۴. همان، ج ۱۸، ص ۵۷.
۴۵. ر.ک: همان، ج ۱۴، ص ۲۰۳.
۴۶. همان، ج ۸، ص ۴.

۴۷. همان، ج ۱۳، ص ۷۵.
۴۸. «ولبس الإسلام لبس الفرو مقلوباً». نهج البلاغه، ترجمه و شرح فیض الاسلام، خطبه ۱۷، ص ۳۲۴.
۴۹. ر.ک: همان، ج ۷، ص ۳۳.
۵۰. همان.
۵۱. همان، ص ۱۹۵.
۵۲. همان، ج ۱۰، ص ۱۸۱.
۵۳. همان، ج ۴، ص ۱۹۰.
۵۴. همان، ج ۷، ص ۴۲.
۵۵. محمدحسین پناهی، فصلنامه علوم اجتماعی علامه طباطبائی، ش ۱۱ و ۱۲، ص ۶۵-۸۱.
۵۶. برای آگاهی از این تئوری‌ها، ر.ک: مجموعه مقالات انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن - (قم: معاونت امور اساتید و دروس معارف، ۱۳۷۴) ص ۸۶-۱۳۹.
۵۷. امام روح الله خمینی، پیشین، ج ۷، ص ۶۰.
۵۸. همان، ج ۱۱، ص ۱۰۰.
۵۹. همان، ج ۱۱، ص ۱۱۷.
۶۰. ر.ک: همان، ج ۱۱، ص ۲۰۴.
۶۱. همان، ج ۱۹، ص ۱۸۸.
۶۲. همان، ص ۱۵۷.
۶۳. حسن آئینه (تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۹)، ج ۱.
۶۴. امام روح الله خمینی، پیشین، ج ۲، ص ۲۸۰.
۶۵. همان، ج ۱۲، ص ۶۹.
۶۶. همان، ج ۲، ص ۲۳۳.
۶۷. امام خمینی، پیشین، ج ۱۱، ص ۲۱۵.
۶۸. همان، ص ۱۶۷ و ج ۸، ص ۸۳.
۶۹. همان، ج ۱۱، ص ۱۸۳.
۷۰. همان، ص ۱۷۹ و ج ۱۴، ص ۳۷.
۷۱. همان، ج ۱۲، ص ۸۴.
۷۲. همان، ج ۸، ص ۲۶۴.
۷۳. همان، ج ۸، ص ۱۱۲.

۷۴. همان، ج ۱۱، ص ۶۴.

۷۵. همان، ج ۱۴، ص ۲۴.

۷۶. همان، ص ۴۰.

۷۷. همان، ص ۴۴.

۷۸. همان، ص ۴.

۷۹. همان، ج ۱۹، ص ۶۲.